

## تحقیق در مساله

تحقیق در مساله با محور قرار دادن روایات مرتبط دنبال می شود؛ با این توضیح که

- از قرآن در این ارتباط نمی توان به حجی معتبر و تعیین کننده رسید.
- چنان که اجماعات و بلاخلاف های ادعا شده در متون فقهی، نیز خالی از ملاحظات سلبی نیست.
- البته برخی اعتبارات عقلی و استیحاءات اُحیانی عقلایی یا متشرعیه یا نصوص مبین مقاصد شارع ممکن است در مساله همراه با اقتضائاتی خاص باشد که باید در پایان مورد بررسی قرار گیرد.

ضمناً - به اقتضای تحقیقات گذشته - مفروض تحقیق این است که عبادیت کار مثل نفس وجوبش مانع اخذ اجرت نیست.

## رصد روایات

در کتاب کافی بابی است با عنوان «باب المستأکل بعلمه و المباهی به» از روایات مرتبط، احادیث ذیل است:

- ۱. الحسين بن محمد بن عامر ، عن معلى بن محمد ، عن الحسن بن علیّ الوشاء عن احمد بن عائد عن ابي خديجة عن ابي عبدالله عليه السلام قال: من أراد الحديث لمنفعة الدنيا لم يكن له في الآخرة نصيب و من أراد به خير الآخرة أعطاه الله خير الدنيا والآخرة.
- ۲. علی بن ابراهیم ، عن ابيه ، عن القاسم بن محمد الاصبهانی ، عن المنقری ، عن حفص بن غیاث ، عن ابي عبدالله عليه السلام قال: من أراد الحديث لمنفعة الدنيا لم يكن له في الآخرة نصيب.
- ۳. علی بن ابراهیم ، عن ابيه ، عن القاسم ، عن المنقری ، عن حفص بن غیاث عن ابي عبدالله عليه السلام قال: إذا رايتم العالم محبا لدنياه فاتهموه على دينكم ، فانّ كل محب لشيء يحوط ما أحبّ و قال صلى الله عليه و آله: أوحى الله الى داود عليه السلام : لا تجعل بيني و بينك عالما مفتونا بالدنيا فيصعدك عن طريق محبتي ، فانّ اولئك قطاع طريق عبادى المریدين إنّ أدنى ما أنا صانع بهم أن أنزع حلاوة مناجاتي عن قلوبهم.
- ۴. علیّ ، عن ابيه عن النوفلى ، عن السكونی ، عن ابي عبدالله عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه و آله : الفقهاء امناء الرسل ما لم يدخلوا في الدنيا قيل يا رسول الله: و ما دخولهم في الدنيا؟ قال: اتباع السلطان فإذا فعلوا ذلك فاحذروهم على دينكم<sup>۱</sup>.

## بررسی سندی و دلالی این بخش از روایات

از روایات فوق، سند روایت اول و چهارم معتبر است و روایت دوم و سوم به دلیل اشتغال بر قاسم بن محمد اصفهانی ، خالی از مناقشه نیست. واضح است که اعتبار و عدم اعتبار این دو روایت نقش تعیین کننده در برآیند فتوا ندارد.

محدث نوری با اشاره به احادیث فوق به نقل از ملا محمد صالح مازندرانی و غیر او می نویسد:

«مراد او کسی است که علم را آلت قرار می دهد از برای خوردن اموال مردم و آن را سرمایه می کند که به آن کسب کند و وسعت دهد در معاش خود».<sup>۲</sup>

واضح است که این بخش از روایات دلالتی بر حرمت اخذ اجرت ندارد، بلکه به دلیل عدم اشاره به حرمت و آثار آن و اکتفا به بیان مثل «لم یکن له فی الآخرة نصیب» و تفسیر دخول در دنیا، تنها به «اتباع السلطان» ، می توان این روایات را از ادله مشیر به جواز اخذ اجرت از متعلم یا از حکومت و بیت المال قرار داد.

واضح است که حدیث سوم، هر چند زیانش نسبت به عالم محب دنیا تند و سلیط است، لکن از آن هم به هیچ وجه حرمت شرعی و بطلان وضعی اخذ اجرت مستفاد نیست؛ ضمن این که سند این حدیث مبتلا به ضعف است و اثبات مفادی با آن - که تنها در این حدیث آمده - مشکل است. فتامل.

### ادامه احادیث

• ۵۰...- در تراث دینی تعابیری از حضرات معصوم - علیهم السلام - وجود دارد که ممکن است مرتبط با محور مورد گفتگوی حاضر بنماید. نظیر روایت: «و لا تستاکل الناس بنا فتفتقر؛ فانک موقوف لا محالة و مسئول، فان صدقت صدقناک و ان کذبت کذبناک»؛<sup>۳</sup>

«یا ابا النعمان! لا تستاکل بنا الناس فلا یزیدک الله بذلک الا فقرا»؛<sup>۴</sup>

فرمایش امام سجاد - علیه السلام - به قاسم بن عوف: «و ایاک ان تستاکل بنا فیزیدک الله فقرا»؛<sup>۵</sup>

و در وصیت مفضل به جماعتی از شیعه آمده است: «انی سمعت ابا عبد الله - علیه السلام - یقول: «افترق الناس فینا علی ثلاث فرق: ... فرقة احبونا و سمعوا کلامنا و لم یقصرُوا عن فعلنا لیستأکلو الناس بنا فیملأ الله بطونهم نارا یسلط علیهم الجوع و العطش ...»<sup>۶</sup>؛

شیخ صدوق در ذیل باب «معنی الاستئکال بالعلم» می فرماید:

«حدثنا احمد بن محمد بن الهیثم العجلی قال: حدثنا احمد بن یحیی بن زکریا القطان، قال: حدثنا بکر بن عبد الله بن حبیب ، عن تمیم بن بهلول ، عن ابيه عن محمد بن سنان، عن حمزة بن حمران قال: سمعت ابا عبد الله علیه السلام یقول: من استأکل بعلمه افتقر . فقلت له : جعلت فداک إن فی شیعتهک و موالیک قوما یتحملون علومکم و یتئونها فی شیعتهکم فلا یعدمون علی ذلک منهم البرّ و الصلة و الاکرام. فقال - علیه السلام - : «لیس اولئک بمستأکین، إنّما المستأکل بعلمه الذی یفتی بغير علم و لا هدی من الله عزّوجلّ لیبطل به الحقوق طمعا فی حطام الدنيا».<sup>۷</sup>

۲. لؤلؤ و مرجان، ص ۱۷.

۳. الکافی، ج ۲، باب الکذب، ص ۲۳۸.

۴. الامالی (از شیخ مفید)، ص ۱۸۲.

۵. اختیار معرفة الرجال، ص ۱۲۴.

۶. بحار الانوار، ج ۷۸، کتاب الروضة، ص ۳۸۲؛ و...

۷. معانی الاخبار، ص ۲۸۵؛ وسائل الشیعة، ج ۲۷، ابواب صفات القاضی، باب ۱۱، ص ۱۴۱ و ۱۴۲، حدیث ۱۲.